

انقلاب اسلامی درمراکش نطفه بسته است

مبارزات مردم مراکش

مبارزه مردم مراکش از مبارزه بر علیه استعمار اسپانیا و فرانسه آغاز میشود. و سپس در مبارزه با آمریکا برای رهایی از یوغ وابستگی این ابرقدرت تداوم می یابد. مبارزات و مخالفت های مردم پس از جنگ جهانی دوم به اوج رسیده و استقلال را برای مراکش به ارمغان می آورد. ولی این استقلال چندی بعد بشکل جدیدتری از دست رفته و جایش را به وابستگی تام و مطلق با امپریالیزم میدهد.

پس از آن و پس از جنایات شاه حسن و اختناق و دیکتاتوری حاکم بر السالوادور در سال ۱۹۶۵ مردم مراکش بپا خاسته و قیام می کنند. در این قیام که در نواحی داغه ای کازابلانکا صورت گرفت دانش آموزان، دانشجویان و زاغه نشینان شرکت داشتند. رژیم مراکش با حمله به

(۲۵ خرداد) به خیابانها ریختند و علاوه بر اعتراض به وضع اقتصادی مخالفت علنی خود را با رژیم سلطنتی شاه حسن دوم اعلام داشتند. چنین شورش و تظاهراتی در عمر بیست ساله پادشاهی حسن دوم بی سابقه بود.

حمله به مظاهر سرمایه داری و ثروت اندوزی هدف های اصلی شورشیان کازابلانکایی را تشکیل میداد. رژیم شاه حسن به رویارویی و مقابله با شورشیان پرداخته و بسیاری از آنان را کشته و مجروح می سازد در این درگیری بیش از ۶۳۷ نفر کشته و ۵۰۰۰ تن زخمی و جمع گیری بازداشت میشوند در حالیکه رژیم امار کشته ها را ۶۶ تن و امار بازداشتی ها را ۲۰۰۰ تن اعلام کرده است.

پس از این قیام همه اعضا «رهبری ملی»، سندیکای «سی. دی. تی» و از جمله دبیرکل آن بازداشت شدند. ۲۰۰ عضو اتحادیه سوسیالیستی

نیروهای مردم و بسیاری از جوانان که در تظاهرات نقش داشته اند دستگیر و روانه زندانهای مخوف رژیم گشتند. پلیس از بخش روزنامه ها و مجله های مخالف شدیداً جلوگیری کرده و حاملین آن را به بدترین وضعی شکنجه میکند. و سپس به محاکمه آنان می پردازد آنهم محاکمه ای در زیر شکنجه با تحریف اظهارات زندانیان و زدن اتهامات واهی به آنان.

آنچه در قیام ژوئن مردم مراکش قابل توجه است این است که رژیم مراکش سعی زیادی بر این داشت که قیام مردم مسلمان را قیامی سوسیالیستی نشان دهد. تمام تبلیغات خود را صرف این میکرد که اسلامی بودن مبارزات مردم را کتمان کند. و لذا بی دلیل نیست که می بینیم پس از کشتار بیست خرداد (شنبه سیاه) چند نفری را که وابسته به سوسیالیست های مراکش بودند در یک دادگاه پرسو و صدا و با حضور ۱۰۰ کیل از سازمان عضو بین المللی محاکمه می کنند. و خبر گزارهای امپریالیستی مدام تبلیغ می کنند که سوسیالیستها در شورش اخیر نقش عمده را داشتند و به هیچ وجه از مردم مسلمان و محروم مراکش که بجزات میتوان گفت در این قیام بیشترین نقش را داشته اند نامی نمی برند.

آنچه در قیام ژوئن مردم مراکش قابل توجه است، این است که رژیم مراکش سعی زیاد بر این داشته که قیام مردم مسلمان را قیامی سوسیالیستی نشان دهد.



شاه حسن دوم پادشاه مراکش

تظاهر کنندگان حدود ۳ هزار دانشجو و دانش آموز و زاغه نشین را به شکل فجیعی به قتل رساند و این قیام را سرکوب نمود.

در سال ۱۹۸۰ کارگران و دهقانان در نزدیکی نیجر به اعتراض علیه استعمار وحشیانه خود، دست به شورش زدند که با تهاجمات سخت سربازان و چکمه پوشان رژیم روبرو گشتند. پس از آن در ژانویه ۱۹۸۱ جمعی از میهن دوستان مراکشی بازداشت شده و راهی زندانها گردیدند که در میان آنان چندتن از اعضای اتحادیه سوسیالیستی نیروهای مردمی دیده میشوند.

در مارس ۱۹۸۱ دژخیمان مراکشی چندین دفتر اتحادیه سوسیالیستی نیروهای مردم را تعطیل می کنند.

پس از اعمال خشونت هایی که رژیم مزدور مراکش، و وضع نابسامان اقتصادی کشور که منجر به افزایش قیمت ها از طرف دولت مراکش شد. مردم فقیر و محروم مراکشی و مخصوصاً مردم شهر بندری کازابلانکا در ماه ژوئن گذشته

مراکش و مسئله صحرا

در سال ۱۹۷۵ که استعمار پیرو فروتوت اسپانیا از صحرای غربی عقب نشینی کرده بود شاه حسن به ارتش مزدور خود دستور داد تا برای تحت سلطه درآوردن این منطقه راهپیمایی ترتیب دهند و ارتش نیز به تعقیب از او اقدام به این عمل نمود و صحرای غربی را به تصرف خود درآورد. و بدین ترتیب جنگ میان مزدوران مغربی و مبارزین مسلمان پولیساریو آغاز شد که در حال حاضر نیز ادامه دارد.

صحرای غربی به لحاظ جغرافیایی در ادامه همان زنجیری است که بدور افریقا کشیده شده است و آمریکا سعی بر حفظ سلطه خویش بر آن را دارد. اگر آمریکا بتواند مواضعش را در صحرای باختری تثبیت کند، توانسته است در ورودی افریقا از جانب شمال غربی را به تصرف خود درآورد. علاوه بر این در صورت تسلط بر صحرا،

جهاد

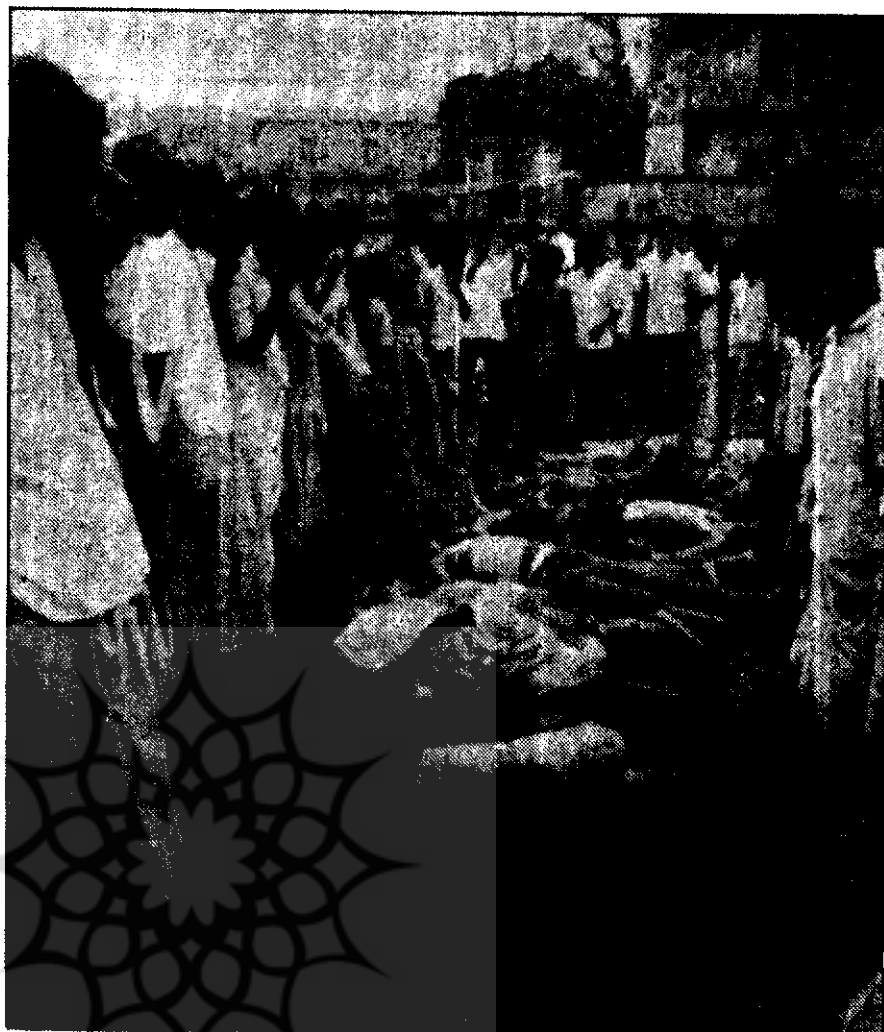
حل نشود. بحران نظامی میان مناقشه مربع ایبه بین چهار کشور صحرا - موریتانی - الجزایر - مراکش) به اوج رسیده و احتمالاً باعث بروز جنگی در آن منطقه خواهد شد. در بین این چهار کشور "الجزایر" حمایت خود را از رژیم صحرای اعلام داشته و موریتانی موضع بی طرفی اتخاذ نموده است. در صورت بروز چنین جنگی با توجه به ترکیب موجود بلاشک شکست نهایی از آن مراکش خواهد بود.

در غیر اینصورت و در ادامه نبرد و مبارز آزادیخواهان صحرا با توجه به وضع نابسامان رژیم مراکش این رژیم دوام نیاورده و در مقابل خواست مردم صحرا تسلیم خواهد شد.

*** حمله به مظاهر سرمایه داری و ثروت اندوزی هدفهای اصلی شورشیان کازابلانکایی را تشکیل میداد.**

مراکش و جهان عرب

بطور کلی بر جهان عرب دو وضعیت سیاسی حاکم است یکی کشورها و رژیمهای مرتجع عرب که عموماً وابستگی تام به آمریکا دارند و دیگری کشورهای عضو جبهه پایداری هستند که اگر چه گرایشاتی به شرق داشته ولی در رابطه با آمریکا و رژیمهای مرتجع منطقه سرسختانه موضع می گیرند مراکش در این بین



هم اکنون مردم مسلمان و مبارز مراکشی که از حقان و استبداد موجود به تنگ آمده اند بنای مخالفت با رژیم سرسپرده شاه حسن دوم را نهاده اند.

ادامه زنجیر به سنگال وصل شده و موفقیت آمریکا در آن منطقه نیز تثبیت خواهد شد. از جانبی منابع معدن فسفات که در صحرا هست یکی دیگر از عامهای جذب آمریکا در این منطقه می باشد.

در این میان مراکش به عنوان مزدور و عمده امپریالیزم با حمله نظامی و حضور گسترده خویش در صحرا بیشترین نقش را در حفظ سلطه امپریالیزم در این منطقه ایفا می کند. از طرفی مقاومت و پیروزیهای نظامی استقلال طلبان صحرا رژیم ملک حسن و حامی آن آمریکا را در وضع دشوار و بحرانی قرار داده است. زیرا در صورت شکست ارتش مغرب توسط جنگجویان پولیساریو سقوط رژیم ملک حسن تسریع خواهد شد. با توجه به این عوامل و با اوج گیری نهضت پولیساریو رهبر خود کامه مراکش قصد آن دارد که مساله صحرا را از طریق بازیهای سیاسی حل نماید ولی چریکهای استقلال طلب پولیساریو اعلام داشته اند که تا زمانی که یک سرباز مراکشی در خاکشان وجود دارد به مبارزه خود ادامه داده و تفنگ بر زمین نخواهند گذارد.

جهاد

نقش طرفداری از کشورهای مرتجع منطقه یعنی کشورهای امریکایی را ایفا کرده و شدیداً علیه جبهه پایداری موضع گرفته است. جریانات اخیر و در رابطه با طرح امریکایی فهد و تشکیل کنفرانس سران عرب در فاس مراکش و موضع گیری شاه حسن دوم نسبت به این طرح، نشان دهنده وابستگی کامل مراکش به امریکاست. سران کشورهای مرتجع منطقه ضمیمه محکوم کردن مبارزات مردم صحرا از آن بعنوان مبارزه ای تجزیه طلبانه در جهان عرب نام برده و پشتیبانی کامل خود را از رژیم ارتجاعی مراکش اعلام داشته و از هر کمکی چه مادی و چه غیر مادی به این رژیم دریغ ندارند متقابلاً رژیم مراکش نیز تاکنون وفاداری خود را به سران اثبات نموده است. موضع گیری شاه مراکش در رابطه با جنگ ایران و عراق و حمایت از عراق و بقیه در صفحه ۷۱

هم اکنون ۳۰۰۰۰ سرباز مراکشی در صحرا حضور دارند و در حقیقت اینان هستند که برای جمعیت ۷۳/۹۴۷ نفری صحرا تعیین سرنوشت می کنند.

از طرفی رژیم مراکش با توجه به شورش عمومی که در داخل مراکش وجود دارد سعی بر این دارد که توجه مردم مراکش را از اوضاع داخلی بسوی صحرا منحرف سازد. تا بدین وسیله قیام مردم مسلمان را به انحراف کشانده و از اوج آن بکاهد.

در این بین چریکهای پولیساریو با شرایطی که تعیین کرده اند شامل خروج بدون قید و شرط دستگاه اداری و نظامی مراکش از صحرا و بازگشت تمام اوارگان صحرائی به این منطقه است.

آنچه در رابطه با نبرد صحرا و مراکش قابل ذکر است این است که اگر قضیه صحرا بشکل سیاسی

انقلاب اسلامی در

بر حق شمردن آن و محکوم کردن انقلاب ایران نمونه‌ای از این وفاداری است.

انقلاب اسلامی در مراکش نطفه بسته است.

مردم مراکش سابقه کهن تاریخی در رابطه با مبارزات اسلامی داشته‌اند، جنگهای اندلس (اسپانیا) در صدر اسلام نمونه‌ای از این سوابق میباشد.

هم اکنون جنبش اسلامی در مراکش نطفه بسته است و مردم مسلمان و مبارز مراکش که از خفقان و استبداد موجود به تنگ آمده‌اند بنای مخالفت با رژیم سرسپرده شاه حسن دوم رانهاده‌اند. افزایش شکنجه، دستگیر نمودن مبارزین مسلمان، خود نشان دهنده این است که جنبش اسلامی مردم محروم در حال اوج گیری است. به آتش کشیده شدن اتوبوسها - بانکها مظاهر سرمایه داری و فساد و فحشاء بعنوان مظهر وابستگی و پایگاه رژیم شاه حسن، نشان از اسلامی بودن قیام محرومین مراکش دارد. و شاید بی دلیل نیست که می‌بینیم شاه حسن بعنوان پیشگیری از قیام مردم مساجد را

باتشکیل کمیته‌هایی از افراد و روحانیون وابسته به رژیم تحت کنترل خود برآورده‌است. چرا که تجربه نشان داده است که مسجد سنگر و پایگاه مسلمانان در برابر باطل است. علیرغم تمام توطئه‌ها و ترفندهای شاه مراکش امروز جنبش اسلامی در مدارس و دانشگاهها و کثرت تحصیل کرده جامعه رونق افزایش نهاده است.

با توجه به مسائل فوق اگرچه جنبش اسلامی در مراکش در حال اوج گیری است ولی ضعیفی که در این قیام موجود است عدم وجود رهبری صحیح و هماهنگ است که بتواند مبارزات مردم را تشکل و سازمان دهد. هر چند روحانیون مراکشی در مبارزات بیشترین نقش را دارند ولی بصورت منسجم نبودند و از یک تشکل قوی برخوردار نیستند. علاوه بر این در مناطق مختلف پراکندگی و تشکل آن هم متفاوت است. مثلا در کازابلانکا - تنجه و ریباط تشکل بیشتری از سایر نقاط به چشم می‌خورد.

مسئله دیگری که در رابطه با نهضت مردم مراکش قابل توجه است، مسئله سیاسی موجود در جامعه است بطور کلی در

گفتگو با سه تن

البته گمان میکنم که خودم حداقل به ۲۰۰ پسر و بچه و دختر وزن تجاوز کرده باشم و بیشتر بچه‌ها و زنهای بخاطر اسلحه ام شدت از من میترسیدند و یابالینکه بچه‌ها علاقه فراوانی به اسلحه داشتند و فریب میخوردند.

وی همچنین گفت: بیشتر اعضای حزب دمکرات و گروههای دیگر بدلیل داشتن اسلحه و قدرت ناشی از آن به مردم زور میگویند و بهر صورتی که بخواهند با آنان رفتار می‌کنند و علاوه بر آن تعداد بسیاری از دیگر اعضای حزب دمکرات بعلت فاسد بودن روابط درونی حزب به بیماری جنسی مبتلا میباشند.

تبلیغات شدید بر علیه پاسداران و ارتش ظاهر احمدی جوان کم سن و سال دیگر نیست که در دام تبلیغات شوم و دروغهای ننگین گروهکها قرار گرفته بود او که هم اکنون با حقایق آشنا شده است به افشای ماهیت گروهک دمکرات و دیگر مزدوران میپردازد.

وی پیرامون سابقه همکاری خود با حزب دمکرات میگوید: «بعد از پیروزی انقلاب حزب دمکرات و دیگر گروههای چپ در کردستان شروع

به فعالیت گسترده کردند و بر اثر تبلیغات وسیع ما هم بتدریج جذب آنان شدیم. البته تصور میکردیم که اینها قصد خدمت به خلق کرد را دارند اما متوجه نبودیم که در حقیقت راه امریکا را در پیش گرفته‌اند.

بهرحال بعد از طی دوره آموزش نظامی بوسیله سرگرد عباسی (از فراریان ارتش شاه) در زمانیکه برادران ارتش جمهوری اسلامی و سپاه در مهاباد مستقر شدند جوانان مهاباد و از جمله من به تحریک و تبلیغ گروهکها دسته دسته بسوی روستاهای اطراف حرکت کردیم و در مقرهای نظامی مستقر شدیم.

در تعدادی از درگیریها و حملات مسلحانه پشهر شرکت داشتیم و در روستاها نیز به جمع آوری پول و مایحتاج حزب مشغول بودیم. اعضای حزب دمکرات شبها به منزل روستائیان رفته و از آنان مالیات و زکات می گرفتند و اگر کسی از پرداخت مالیات خودداری میکرد او را دستگیر کرده و بعد از شکنجه و زدن کتک او را زندانی میکردند.»

ظاهر احمدی در ادامه سخنانش میگوید: «حزب دمکرات و دیگر گروهکها از دو سال قبل

مراکش چندین گروه و وجود ارتش و سپاه است. بعضی از این گروهها با اسلحات دیگری می‌باشند و بعضی از آنها نیز مبارز سیاسی می‌باشند. سیاست اجتماعی و اجتماعی مراکش که در آن زمان قرار آمیزی در رابطه با مبارزات مسلحانه و گروههای موجود در مراکش است. در این زمینه مسلم است این است که ارتش و سپاه در مراکش عمدتاً و محوری است و بعضی از جنگهای اصلی بانک از آن است. این مبارزات شده‌اند و انگیزه اصلی مبارزات در آن زمان و آنهم مذهب اسلام و الهام بخش الگویشان در مبارزات انقلاب اسلامی و ایثار و فداکاری مردم مسلمان ایران می‌باشد. اگر چه فقر - محرومیت و بی‌سوادگی و بیکاری بزرگی و ... از جمله عوامل محرومیت و بیکاری عمومی است و از این جهت مردم مسلمان شده است و بعضی از آنها هم در این جنبش است و وقتی مردمی احساس میکنند که در این روستاها و در این مناطق مبارزه با استبداد و فساد و فحشاء و ...

تبعات بر علیه ارتش و پاسداران

مردم به ارتش و پاسداران بسیار بدبین شده‌اند و بهر حال بعد از درگیریها با پاسداران و برادران ارتش و سپاه در شهرها و روستاها و در مقابل مردم مهاباد بر اثر این تبلیغات گروه به روستاهای اطراف فرار میکنند. بعد از مدتی مردم مهاباد متوجه شدند که تبلیغات گروهکها دروغ محض بوده و بدنبال آن با خیال راحت وارد شهر شدند و خود را بسیاری از واقعات روبرو شدند. وقتی مردم رفتار برادران ارتش و پاسداران را دیدند کاملاً گیج شده بودند و از طرف دیگر بسیار خوشحال بودند. البته هم اکنون مردم مهاباد از گروهکها تنفر دارند و دیگر به حرفهای آنان توجهی ندارند و گروهکها نیز مردم را تهدید کرده و اذیت و آزار میرسانند.

وی در پایان در مورد وضع دخترانی که هم اکنون در حزب دمکرات و دیگر گروهکها هستند گفت: «بطور کلی تمام دخترانی که در اینگونه احزاب هستند بهیچوجه نتوانسته‌اند عفت خود را حفظ کنند و علاوه بر آن فرهنگ بی بندوباری و هرزگی را در بین مردم شدت رواج داده‌اند. بهر حال هم اکنون فقط مکتب اسلام است که میتواند نجات دهنده مردم باشد و مردم کردستان نیز در انتظار کمکها و یاری دولت و سایر اقشار مردم ایران میباشند.